



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 2, Issue 2, 2022

Juridical and Legal Investigation on the Crime of the Economic Order Disturbance with Regard to the Crime of "Corruption on Earth"

Ramin Rostami¹, Mehran Jafari*², Ali Jamadi³, Dariush Babaei⁴

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 27-36

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-1414-1034

TELL: +987433313213

Email: mehran9595jafari@gmail.com

Article history:

Received: 21 Apr 2022

Revised: 22 May 2022

Accepted: 25 May 2022

Published online: 22 Jun 2022

Keywords:

*Disruption of Economic Order,
Corruption on Earth, Execution,
Economic Crimes.*

ABSTRACT

The crime of disturbing the economic order is one of the significant crimes that this paper tries to explore with emphasis on corruption on earth. The present paper is an analytical descriptive study, applying the library method. The findings of the paper show that the Iranian legislature has always been silent on the definition and concept of economic crimes. In addition, given that disruption of the country's economic system is a common title, the law for punishing disruptors of the country's economic system without providing a proper definition of it, using vague words, including major, macro, and frequency, does not help transparency in this regard. In addition, the title and definition of corruption on earth is not clear and the conformity of the jurisprudential approach to corruption on earth with the crimes of disrupting the economic system is unclear. If the disruption of the economic system is done with the intention of hitting the system or with the knowledge and awareness of the effectiveness of action against the system, it is an example of corruption on earth. While there is no provision for measuring the criteria for identifying an act with this title and the reference for recognizing it, Article 286 of the Islamic Penal Code also includes disruption of the economic system under the heading of corruption on earth. In conclusion, considering the importance of the Execution, in order to disrupt the economic system of the country from various economic crimes, as one of the examples of corruption on earth, it is necessary to define these topics more delicately by the legislator, and its examples should be counted, accurately.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Rostami, R; Jafari, M; Jamadi, A & Babaei, D (2022). "Juridical and Legal Investigation on the Crime of the Economic Order Disturbance with Regard to the Crime of Corruption on Earth". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(2): 27-36.



انجمن علمی فقه‌جرائی تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌جرائی تطبیقی

دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

بررسی فقهی - حقوقی جرم اخلال در نظم اقتصادی با تأکید بر افساد فی الارض

رامین رستمی^۱، مهرا ن جعفری^{۲*}، علی جمادی^۳، داریوش بابایی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤ ول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

جرم اخلال در نظم اقتصادی از جرایم مهمی است که در این مقاله تلاش شده به روش توصیفی تحلیلی به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته شود. یافته‌های مقاله بر این امر دلالت دارد که قانون‌گذار ایرانی در خصوص تعریف و مفهوم جرایم اقتصادی همواره سکوت کرده است. علاوه بر این، با توجه به اینکه اخلال در نظام اقتصادی کشور، عنوانی عام است، قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور نیز بدون ارائه تعریف مناسبی از آن، با به‌کارگیری الفاظ مبهم اعم از عمده و کلان به شفافیت در این خصوص کمکی نکرده است. علاوه بر این، عنوان و تعریف افساد فی‌الارض نیز از شفافیت و روشنی برخوردار نیست و تطابق بعد رویکرد فقهی نسبت به افساد فی‌الارض با جرایم اخلال در نظام اقتصادی ابهام دارد. هرگاه اخلال در نظام اقتصادی، به‌قصد ضربه زدن به نظام یا با علم و آگاهی از مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام صورت گیرد، از مصادیق افساد فی‌الارض است؛ برای سنجش معیار و ملاک شناسایی عمل ارتكابی با این عنوان و مرجع تشخیص آن مقررهای بیان نگردیده و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز اخلال در نظام اقتصادی را در زیرمجموعه عنوان افساد فی‌الارض قرار داده است. با در نظر گرفتن اهمیت مجازات اعدام، برای اخلال در نظام اقتصادی کشور از انواع جرایم اقتصادی، به‌عنوان یکی از مصادیق جرم افساد فی‌الارض، لازم و ضروری است تا عناوین مذکور با ظرافت بیشتری توسط قانون‌گذار تعریف گردد و مصادیق آن به‌طور دقیق احصا شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷-۳۶

اطلاعات نویسنده مسؤ ول

کد آرکاید: ۱۰۳۴-۱۴۱۴-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۱۷۴۳۳۳۱۳۲۱۳

ایمیل: mehran9595jafari@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

اخلال در نظم اقتصادی، افساد

فی‌الارض، اعدام، جرایم اقتصادی.



مقدمه

جرم اقتصادی یکی از مفاهیم جدید جامعه مدرن است که به لحاظ تهدیدات آن نسبت به ثبات و امنیت جوامع، سنت‌ها و ارزش‌های دموکراسی، ارزش‌های اخلاقی و عدالت، توسعه پایدار و حاکمیت قانون، بیش‌ازپیش موجب نگرانی شده است. آنچه امروزه به جرم اقتصادی مشهور است، متضمن لطمه شدید به نظام هر کشور و نیز نظام اقتصادی بین‌المللی یعنی چرخه تولید، توزیع، حمل‌ونقل و پول است و یا به عبارتی اختلال در نظام اقتصادی کشور شامل مجموعه اقداماتی است که هر کدام از آن‌ها به‌تنهایی برای به هم زدن جریان طبیعی و سالم زندگی جامعه کافی است. دلایل نگرانی‌های دولت‌ها در مبارزه و پیشگیری از جرایم اقتصادی، ویژگی‌های مرتکبین این جرایم به لحاظ موقعیت اجتماعی، سیاسی، مالی آنان و آثار و نتایج زیان‌بار این جرایم در برنامه روبه‌رشد اقتصادی و سلب اعتماد عمومی در سرمایه‌گذاری و فعالیت در حوزه اقتصادی کشورها است. بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی یک جامعه در گروی مبارزه با اختلالگران در نظام اقتصادی و مجرمین اقتصادی است. این نکته باعث شده که برای جرم اقتصادی قوانین و مقررات و مجازات‌های متعددی در سطح بین‌المللی و ملی کشورهای مختلف وضع گردد. در ایران نیز بدین جرم پرداخته شده و قانون‌گذار بارها بدین مقوله توجه نموده است. ازجمله این قوانین، قانون مجازات اختلالگران اقتصادی است که در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بدین امر توجه شده و مجرمین کلان اقتصادی را مفسد فی‌الارض شناخته است. آنچه وجه مشترک این قانون با قانون مجازات اختلالگران است، مفسد فی‌الارض شناختن مجرمینی است که در حد وسیع اقدام به ارتکاب جرم اقتصادی می‌کنند. هرچند جرایم اقتصادی و مبارزه با آن‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، اما توجه به نوع نگرشی که اتخاذ می‌شود و عکس‌العمل و تبعاتی که از تقابل و مبارزه با بزهکاری مذکور پدید می‌آید، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. حقوق کیفری اقتصادی ایران، از شفافیت لازم برخوردار نیست؛ واژگان مبهم و کلی در مهم‌ترین متن قانونی جرایم اقتصادی (قانونی مجازات اختلالگران در نظام اقتصادی

کشور) نظیر «اختلال عمده» و «کلان» بدون تعریف و تعیین قلمرو آن و سپس تغییر رویکرد قانون‌گذار و ذکر عنوان کلی‌تری همچون افساد فی‌الارض، باعث تفسیرهای گوناگون و سردرگمی قضات، شکات، متهمان و وکلای آنان شده و نهایتاً موفقیت لازم در برخورد قانونمند با جرایم را به دنبال ندارد. به‌عنوان مثال منظور مقنن از لفظ گسترده و اختلال شدید در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشخص نیست و با توجه به قوانین متعدد ازجمله ماده ۲۸۶ اخیرالذکر و ماده ۴ قانون تشدید و ماده ۲ قانون اختلالگران در نظام اقتصادی، روشن نیست کدام قانون حکم‌فرما است.

در خصوص جرایم اقتصادی تألیفات متعددی انجام شده است: هادی داچک، در مقاله‌ای به تحلیل سیاست جنایی ایران در مقابله با فساد اقتصادی پرداخته است. (داچک، ۱۳۹۹: ۷۳-۹۴) محمد علی عباس زاده دیباور و سایرین در مقاله‌ای، سیاست جنایی تقنینی ایران در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی را بررسی کرده‌اند. (عباس زاده دیباور و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۸۳-۴۰۸) همچنین علی جعفری عفرای و علی نجفی توانا، در مقاله‌ای، چرایی تغییر سیاست جنایی ایران در مقابله با فساد اقتصاد را مورد بررسی قرار داده‌اند. (جعفری عفرای و نجفی توانا، ۱۳۹۸: ۱۹-۳۸) در مقاله حاضر اما تلاش شده به این مهم پرداخته شود که جرم اختلال در نظم اقتصادی از منظر فقهی حقوقی چگونه قابل تحلیل است. به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا جرایم اختلال در نظام اقتصادی بررسی شده و در ادامه از افساد فی‌الارض در جرایم اقتصادی بحث شده است.

۱- جرم اختلال در نظم اقتصادی

منظور از جرایم اقتصادی، جرایمی است که در راستای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، جرم تلقی شده است (داد خدایی، ۱۳۹۳: ۶۲). جرم اختلال در نظام اقتصادی کشور یکی از مصادیق جرایم اقتصادی است. کلیه جرایم اقتصادی به نحوی موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند اما وقتی عبارت اختلال در نظام اقتصادی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، منظور آن دسته از جرایمی است که در قانون مجازات اختلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال

۱-۱-۱- عدم شفافیت در قانون‌گذاری

جعل اسکناس و واردکردن و توزیع آن در سطح عمده باعث نقض این قاعده اقتصادی و ایجاد تورم می‌شود. بنابراین این عمل اخلال در نظام اقتصادی محسوب می‌شود و به همین دلیل در بند الف ماده ۱ قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی جرم‌انگاری شده است.

در جرم‌انگاری و تعیین مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی از واژه‌هایی نظیر کلان و عمده و فراوان استفاده شده است. در ماده ۲ قانون فوق‌الذکر و تبصره آن بر مبنای همین ضوابط و معیارها مجازات تعیین شده است. وفق تبصره ۱ ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۸۶) در صورت عمده یا کلان یا فراوان نبودن اخلال، مرتکب علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی محکوم خواهد شد. در صورت عمده محسوب شدن نتیجه مجرمانه، وی حداکثر به بیست سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آورده محکوم خواهد شد. به عبارتی دیگر قانون‌گذار بر مبنای ضابطه عمده یا فراوان یا گسترده بودن سه مجازات مختلف برای مرتکبین اخلال در نظام اقتصادی در نظر گرفته است.

در صورتی که اخلال عمده نباشد همان‌طور که بیان شد مجازات مرتکب شش ماه تا سه سال و جزای نقدی می‌باشد. با عنایت به اینکه وفق رأی وحدت رویه ۷۴۴ مورخه ۸/۱/۱۳۹۶ در مواردی که مجازات حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات می‌باشد و با عنایت به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات اخیر درجه پنج محسوب می‌شود و از آنجا که کیفر حبس از زمره مجازات‌های مذکور در تبصره ۵ ماده ۲ قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی که اعمال مقررات تخفیف در آن ممنوع اعلام شده است، نمی‌باشد لذا وفق بند ۱ ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی امکان تقلیل حبس از درجه ۵ تا درجه ۸ امکان‌پذیر می‌باشد. در صورتی که عمل واجد وصف عمده یا کلان تشخیص داده شود لیکن در حد افساد فی الارض نباشد، مجازات مرتکب از سه سال تا بیست سال در نوسان خواهد بود. در فرض دیگری ممکن است متهم از باب افساد فی الارض به مجازات اعدام محکوم شود. در صورتی که قاضی

۱۳۶۹ اشاره شده است. اخلال در نظام اقتصادی کشور جرمی است که سال‌ها مورد توجه سیستم تقنینی قرار گرفته اما شتاب‌زدگی قانون‌گذار در تصویب مواد این قانون سبب شده است که یک سیاست کیفری منسجم و قاطع در این خصوص دنبال نشود.

قانون‌گذار در ماده ۱ از قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور شش رفتار را به عنوان مصادیق جرم اخلال در نظام اقتصادی پیش‌بینی کرده است. این شش مورد عبارتند از: ۱) اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق ارز به صورت عمده، یا ضرب سکه قلب، یا جعل اسکناس، یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها، اعم از داخلی و خارجی و امثال آن؛ ۲) اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها؛ ۳) اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آن؛ ۴) هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی اگرچه به خارج کردن آن نیانجامد، قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌گردد؛ ۵) وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود؛ ۶) اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن تعهد ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و... در این قسمت به تحلیل و ارزیابی جرم اخلال در نظم اقتصادی پرداخته می‌شود. در همین راستا به رویکرد قانون‌گذار نسبت به جرم اخلال در نظم اقتصادی ایراداتی وارد است که عبارت است از:

در تعیین میزان مجازات جزای نقدی اولاً میزان مجازات باید به نحوی تعیین شود که بازدارندگی لازم را داشته باشد و ثانیاً به نحوی باشد که بر اصل تناسب جرم و مجازات خدشه‌ای وارد نگردد. وفق ماده ۲ قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹، ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست می‌آید به‌عنوان جزای مالی مرتکب در نظر گرفته شده است. جزای نقدی در نظر گرفته شده عامل بازدارنده‌ای جهت انصراف از ارتکاب جرم نمی‌باشد چراکه اگر همانند ماده فوق جزای نقدی همان ضبط اموالی نامشروعی باشد که از طریق ارتکاب جرم حاصل شده است، با رد این اموال از سوی محکوم مجازات اجرا شده است و مجرم ملزم به پرداخت چیز دیگری نمی‌باشد. در واقع در فرض دستگیری و محکوم شدن، مرتکب چیزی از دست نمی‌دهد و در واقع آنچه را که من غیر حق دریافت کرده است باز پس می‌دهد و این برخلاف سیاستی است که قانون‌گذار در تبصره همین ماده اتخاذ کرده است. در مواردی که اخلاص‌گران صورت گرفته، کلان و عمده نباشد مرتکب علاوه این بر رد مال باید جریمه و جزای نقدی به میزان دو برابر آنچه از طریق تخلف به دست آورده را پرداخت نماید. بنابراین میزان جزای نقدی باید بیشتر از آن چیزی باشد که مرتکب در اثر ارتکاب جرم به تحصیل کرده است تا عامل بازدارنده‌ای برای ارتکاب جرم باشد. همچنین با عنایت به اینکه میزان عواید تحصیل شده توسط مرتکبین در نوسان می‌باشد به نظر می‌رسد نظیر آنچه که در بند ۵ ماده ۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر آمده است، در میزان جزای نقدی باید با استفاده از معیارهای کمی تقسیم‌بندی‌هایی انجام داد که میزان جزای نقدی بر اساس این تقسیم‌بندی به‌صورت پلکانی افزایش یابد تا در این صورت تناسب جرم و مجازات نیز رعایت شود. از آنجا که هدف بیشتر مرتکبین اخلاص‌گران در نظام اقتصادی، کسب منفعت مالی می‌باشد لذا مجازات جزای نقدی راهکاری مؤثر برای مقابله با مرتکبین این‌گونه جرایم می‌باشد.

۱-۳-۱- جامع نبودن مصادیق جرم اخلاص‌گران در نظام اقتصادی

قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ در هفت بند، اعمالی را که منجر به اخلاص‌گران در نظام اقتصادی می‌شود برشمرده است، لیکن مصادیق ذکرشده در قانون فوق

رسیدگی‌کننده عقیده بر گسترده بودن اخلاص‌گران صورت گرفته در نظام اقتصادی داشته باشد و نتیجه مجرمانه مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی که عبارت از اخلاص‌شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی می‌باشد محرز شود، مرتکب به مجازات حدی افساد فی الارض که غیرقابل تخفیف می‌باشد محکوم خواهد شد. ملاحظه می‌گردد که بر مبنای عمده، کلان یا گسترده بودن، مجازات مرتکب از خفیف‌ترین مجازات درجه ۸، (البته در مقام تخفیف) تا شدیدترین مجازات (اعدام) در نوسان می‌باشد. این نحوه قانون‌گذاری مخالف اصل کیفی بودن قانون است. اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در ادبیات جدید کیفری کم‌کم کنار گذاشته شده و اصل کیفی بودن قوانین کیفری جانشین آن شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۳۴). از مصادیق این کیفیت عدم وجود ابهام در قوانین کیفری و درج آثاری است که قانون برای فرد به دنبال دارد. تعیین مجازات بر اساس ضوابط مبهم و نسبی می‌تواند حقوق و آزادی‌های اشخاص را به خطر بیندازد، چراکه برداشت هر شخص از این ضوابط متفاوت می‌باشد. مثلاً ممکن است یک قاضی اخذ رشوه به مبلغ یکصد میلیون تومان را عمده تلقی کند و قاضی دیگری مبلغ یکصد میلیارد تومان را. در نتیجه ممکن است شخصی که عمل او خسارت چندانی به نظام اقتصادی وارد نکرده، عمده تلقی شود و به شدیدترین مجازات محکوم شود که این خود خطری بالقوه برای فعالان اقتصادی محسوب می‌شود. همچنین امکان مصونیت اشخاصی که با اعمال خود نظام اقتصادی کشور را از مسیر و مجرای صحیح خود خارج و به این واسطه منافع نامشروع سرشاری را به نفع خود و به ضرر اکثریت اعضای جامعه تحصیل می‌کنند می‌باشد. به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایران برای گریز از این آثار سوء در قانون فعلی مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی باید دست به اصلاحات بزند و معیارهای شفاف‌تری برای تعیین مجازات برای مرتکبین اخلاص‌گران در نظام اقتصادی وضع کند. درواقع بنابراین اصل افراد باید بدانند در صورت ارتکاب جرم معین چه مجازاتی در انتظار آن‌ها می‌باشد.

۱-۲- عدم بازدارندگی مجازات جرم اخلاص‌گران در نظام اقتصادی

خود خارج شود گفته می‌شود فاسد شده» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۲۵/۳). افساد فی‌الارض در لغت به معنی فاسد کردن، تباه کردن و فتنه آمده است (معین، ۱۳۷۷: ۳۱۵/۱) و در اصطلاح به معنی بستن راه و ضرر رساندن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۲۱/۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۶۴/۵)؛ قید «فی‌الارض» کنایه از گستردگی عمل مرتکب و گویای بر پا کردن فساد در منطقه یا ناحیه‌ای از زمین است (فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۲۷۷). این احتمال با فهم عرفی از این عبارت مناسب‌تر است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره جرم‌انگاری افساد فی‌الارض در ماده ۲۸۶ چنین آورده است: «هر کس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاص در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به‌گونه‌ای که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۹۲ به‌موجب ماده ۲۸۶ جرم افساد فی‌الارض به‌صورت عام به فهرست عناوین مجرمانه اضافه گردید و با بررسی و تفکیک آن در مقایسه با جرم محاربه پایان یافت، که با مطالعه سطحی ماده مذکور می‌توان پی برد در قانون مجازات اسلامی جدید صرفاً مصادیق و موارد افساد فی‌الارض بیان گردید و از خود لفظ افساد فی‌الارض تعریفی به عمل نیامده است، این در حالی است که قانون قدیم در مواد ۱۸۷-۱۸۶ و ۱۸۸ محاربه و مفسد فی‌الارض را تقسیم‌بندی نکرده بود.

یکی از قوانین قدیمی و پایه در خصوص جرایم اقتصادی قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور است. این قانون در ماده ۲ مقرر می‌دارد: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده چنانچه به‌قصد ضربه زدن به‌نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به‌قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به‌عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به‌دست‌آمده باشد

جامع و مانع نیستند. جرایم ارتكابی در حوزه بانکی، خصوصی‌سازی، جرایم شرکتی و جرایم مرتبط با صادرات و واردات که در سال‌های اخیر اقتصاد ایران را دچار اخلاص کرده است (حسنی و مهرا، ۱۳۹۶: ۶۹) در این فهرست نیامده است. برای مثال در حوزه جرایم بانکی، دریافت تسهیلات با اسناد جعلی و اظهارات خلاف و بدون داشتن شرایط مقرر قانونی، سپردن وثایق فاقد اعتبار یا کم اعتبار، استفاده از تسهیلات دریافتی در موضوعی غیر از قرارداد، عدم بازپرداخت عامدانه اقساط و ادعای واهی ورشکستگی از سوی بدهکاران بانکی، رفتارهایی هستند که به‌نظام بانکی کشور آسیب وارد کرده است و زمینه‌های لازم برای اخلاص در نظام اقتصادی را به وجود می‌آورند. برخی از این رفتارها جرم‌انگاری نشده‌اند و برخی دیگر را می‌توان با جرایم سنتی نظیر کلاهبرداری تطبیق داد که در هر صورت جرم‌انگاری و تنظیم یک سیاست کیفری افتراقی در این خصوص ضروری می‌باشد (سمیعی زنور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴). همچنین در بند د ماده واحده قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی هرگونه اقدام به خارج کردن میراث فرهنگی را قاچاق محسوب کرده و آن را در زمره جرایم مختل‌کننده نظام اقتصادی محسوب کرده است درحالی‌که این جرم اخلاصی در نظام اقتصادی به مفهومی که ذکر شده ایجاد نمی‌کند و می‌توان آن را از زمره جرایم علیه آسایش عمومی محسوب کرد (میر محمدصادقی، ۱۳۹۵: ۴۵/۳). همچنین می‌توان جرم‌زدایی از اخلاص در نظام اقتصادی از طریق قبول سپرده اشخاص (بند ه ماده ۱) را به دلیل هم‌پوشانی با بزه کلاهبرداری و ابهامات موجود در تعریف برخی واژگان کلیدی این قانون، پیشنهاد کرد.

۲- افساد فی‌الارض در جرایم اقتصادی

در این قسمت تلاش می‌شود به بررسی افساد فی‌الارض در جرایم اقتصادی پرداخته شود. افساد مصدر باب افعال است و به معنای تباه سازی است و ریشه آن فسد است. فساد ضد صلاح است. لفظ «فسد» در فارسی به معنای تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و نیز به معنای تباهی، خرابی، فتنه، آشوب، شرارت و بدکاری آمده است و گفته‌شده: «فساد ضد صلاح است و بر هر چه که از حالت صالح منفعت آور

حکم خواهد داد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.^۱ جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور از جمله جرایم عمدی است و علاوه بر سوءنیت عام (عمد در ارتکاب رفتار مادی) نیازمند سوءنیت خاص نیز می‌باشد.

در خصوص سوءنیت خاص مقرر در ماده ۲ این قانون سه نوع قصد^۱ لحاظ شده است. این سه قصد عبارت‌اند از: قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛ به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران؛ و با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام.

به نظر می‌رسد که قصد ضربه زدن با قصد مقابله نظام در حقیقت یک امر واحد باشد؛ چراکه معمولاً در ارتکاب جرم به قصد مقابله با نظام، مرتکب سعی در ضربه زدن به بخش‌های مختلف نظام دارد. در خصوص علم به مؤثر بودن قانون‌گذار این فرض را پذیرفته اگر کسی علم به مؤثر بودن اقداماتش در مقابله با نظام داشته باشد، در ضمن قصد مقابله با نظام را نیز دارد. به عبارت دیگر در صورتی که مرتکب علم به مؤثر بودن اقداماتش در مقابله با نظام داشته باشد، قصد مقابله با نظام نیز به همراه آن محرز است. همراه بودن علم به تأثیر با قصد اخلال در تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی^۲ نیز برای تحقق افساد فی‌الارض، مورد پذیرش قرار گرفته است.

بر اساس ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، تشکیل شبکه چند نفری برای اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری در صورتی که مصداق مفسد

^۱ - ماده ۲: «هریک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام، چنانچه در حد افساد فی‌الارض باشد مرتکب به اعدام محکوم و...»

^۲ - در تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده را احراز نکند...»

فی‌الارض باشد، مرتکبین به اعدام محکوم می‌شوند. ابهامی که در این خصوص وجود دارد این است که در چه صورتی اختلاس موجب تحقق افساد فی‌الارض می‌شود؟ این ابهام با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برطرف گردید. در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به صراحت آمده است که در صورت ارتکاب گسترده جرایم اقتصادی که موجب ایجاد خسارت عمده به اموال دولتی با خصوصی شود، مرتکب یا مرتکبین مفسد فی‌الارض محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر همان‌طور که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ گسترده‌گی آثار جرم ارتكابی موجب تحقق افساد فی‌الارض می‌باشد، در قوانین سابق التصویب نیز همین امر گسترده‌گی آثار نیز عیناً همین مطلب مورد توجه قرار گرفته است. پس جرم‌انگاری افساد فی‌الارض در جرایم اقتصادی قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دارای سابقه است؛ لیکن قانون مجازات شرایط جدیدی را تحقق افساد فی‌الارض روشن کرده است.

در قانون مجازات اسلامی سابق، سخنی از افساد به میان نیامده بود و قانون‌گذار فقط به جرم‌انگاری محاربه پرداخته بود. قانون مجازات اسلامی به صراحت با تفکیک محاربه از افساد فی‌الارض، در ماده ۲۸۶ با پذیرش افساد فی‌الارض از جمله در جرایم اقتصادی رویکردی نوین در این رابطه اخذ نموده است. یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی تفکیک جرم محاربه از افساد فی‌الارض است. عنصر مادی افساد فی‌الارض ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۲۸۶ است. از جمله شرایطی که برای تحقق این جرم لازم هست، این است که شخص به‌طور گسترده مرتکب جرایم مذکور در ماده ۲۸۶ شود. که این ارتکاب موجب خسارات عمده و شدید شود. اشکال این ماده در این است که الفاظ مذکور ماده ۲۸۶ مبهم هستند و هر قاضی ممکن است تعریف خود را داشته باشد. مثلاً کسی سه بار ارتکاب جرم اقتصادی را ارتکاب گسترده به حساب آورد و کسی دیگر صرف ارتکاب یک‌باره این جرم را با خسارت زیاد را موجب گسترده‌گی شدت جرم ارتكابی بداند. در حالی که تردیدی وجود ندارد که قوانین کیفری باید روشن و بدون ابهام نوشته شوند. این امر در مواردی که مجازات‌های سنگین مثل، به مراتب ضروری است.

قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور نیز در ماده ۲ مقرر می‌دارد: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود...» حال آیا بین این دو ماده تعارض وجود دارد؟ آیا قانون مجازات اسلامی قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی را نسخ کرده است؟ ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی برخلاف ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی که اخلال در نظم عمومی را لازم می‌داند، قصد ضربه زدن به نظام، قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی یا علم به مؤثر بودن را لازمه تحقق افساد دانسته است. اما هر دو ماده به‌نوعی گستردگی اقدامات انجام‌شده را نیز لازم دانسته‌اند. با بررسی به نظر می‌رسد بین این دو ماده تعارضی وجود ندارد، بلکه ماده ۲۸۶ دامنه جرم افساد را در رابطه با جرایم اقتصادی گسترش داده است. بدین بیان که قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اگر شخصی مرتکب اعمال مذکور در ماده یک قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی می‌شد و از انجام آن اعمال قصد ضربه زدن یا مقابله با نظام را داشت، مفسد فی‌الارض محسوب می‌شد. به عبارت دیگر دامنه جرم افساد فی‌الارض در جرایم اقتصادی محدود به موارد مذکور در (ماده یک قانون اخلال‌گران به همراه قصد مقابله با ضربه به نظام جمهوری اسلامی) بود، اما با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در صورتی که شخص مرتکب جرایم اقتصادی غیر از موارد مذکور در ماده یک قانون مجازات اخلال‌گران شود؛ با احراز شرایط ماده ۲۸۶ مفسد فی‌الارض محسوب شده و به اعدام محکوم می‌شود. همچنین بر اساس ماده ۲۸۶ در صورتی که شخص مرتکب جرایم مذکور در ماده ۱ قانون اخلال در نظم اقتصادی شود و قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به نظام را نداشته باشد، اما قصد اخلال گسترده با علم به مؤثر بودن اقدامات در ایجاد

همچنین لازم است ارتکاب افعال مذکور در ماده باعث اخلال شدید در نظم و ناامنی یا ورود خسارت عمده یا سبب اشاعه فحشا در حد وسیع گردد. بنابراین جرم افساد فی‌الارض یک جرم مقید است.

عنصر معنوی این جرم عبارت است از عمد در انجام افعال مذکور در ماده ۲۸۶ و اینکه شخص قصد اخلال گسترده در نظم عمومی و ایجاد ناامنی و امثال آن را داشته باشد. همچنین بر اساس تبصره ماده مذکور علاوه بر ضابطه عینی (گسترده‌گی اعمال و ایجاد اخلال شدید در نظام اقتصادی یا نظم عمومی)، ضابطه شخصی یا ذهنی (قصد اخلال گسترده یا ایراد خسارت عمده و...) نیز برای تحقق افساد فی‌الارض ضروری است. تبصره ماده ۲۸۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.»

تبصره مذکور نیز دارای ابهام است. این ابهام در خصوص عبارت «جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد» است؛ چرا که تردیدی وجود ندارد که افعال مادی مقرر در ماده ۲۸۶ ارتکاب جرایم علیه امنیت یا تمامیت جسمانی افراد، نشر اکاذیب و... حتی بدون وجود قصد اخلال گسترده، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت و... قابل مجازات می‌باشند و اینکه این اعمال مشمول مجازات قانونی دیگری نباشند، قابل تصور نیست. بنابراین به نظر می‌رسد که منظور مقنن این است که عمل ارتكابی مشمول مجازات قانونی بیشتری نباشد (میر محمدصادقی، ۱۳۹۵: ۶۵).

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی در برخی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی افساد فی‌الارض جرم‌انگاری شده بود. مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، اخلال در نظام اقتصادی کشور با حصول سایر شرایط مقرر در ماده مذکور، موجب مفسد محسوب شدن شخص مرتکب شده و اعدام وی می‌گردد. از طرف دیگر

اخلال را داشته باشد مفسد فی الارض محسوب شده و به اعدام محکوم می‌شود.

نتیجه‌گیری

قانون مجازات اخلالگران اقتصادی با نقدها و نارسایی‌های متعددی مواجه است. جرم‌انگاری و تعیین مجازات بر اساس ضوابط مبهم و نسبی مهم‌ترین ایراد وارده بر قانون مذکور است. این نحوه قانون‌گذاری برخلاف اصل کیفی بودن قانون می‌باشد و امکان برخورد سلیقه‌ای را نسبت به مرتکبین این جرایم را فراهم می‌کند به‌ویژه اینکه بر اساس این ضوابط، مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی از خفیف‌ترین مجازات تا شدیدترین مجازات در نوسان می‌باشد. عدم بازدارندگی مجازات جزای نقدی نیز از دیگر ایرادات وارده بر مجازات‌های مربوط به جرایم اقتصادی از جمله مجازات‌های تعیین‌شده در قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی است چراکه در فرض عمده یا کلان بودن اخلال، مجازات جزای نقدی ضبط همان اموالی می‌باشد که از طریق خلاف قانون تحصیل شده است و در حتی در فرضی که احتمال دستگیری و مجازات، صد در صد باشد صرفاً از حیث توجه به جزای نقدی، ارتکاب بزه به سود مجرم خواهد بود. همچنین به‌منظور مقابله با چالش‌های فراروی مبارزه با جرایم اقتصادی، اصلاح قوانین، نظارت، رفع تعارض منافع، خصوصی‌سازی و آموزش همگانی، ضروری است. در خصوص افساد فی‌الارض در جرایم اقتصادی نیز باید گفت که قانونگذار لازم است مصادیق محاربه و فساد را مطابق رویکردهای فقهی در این خصوص تفکیک نماید به نحوی که مجازات‌های هر یک مشخص و روشن شود. در همین حال، جرایمی که آثار تخریبی کمتری دارد از دایره افساد فی‌الارض خارج نماید و به دلیل اینکه جرم افساد ممکن است تحت تأثیر برداشت‌های متفاوت مورد سوء استفاده قرار گیرد، مصادیق افساد به صورت جداگانه جرم‌انگاری گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفته و نظارت بر حسن انجام آن با سایر نویسندگان بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. جلد سوم، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- الفراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن أحمد (۱۴۰۹). *العین*. جلد هفتم، قم: دار الهجرة.
- جعفری عفرای، علی و نجفی توانا، علی (۱۳۹۸). «چرایی تغییر سیاست جنایی ایران در مقابله با فساد اقتصاد». *مطالعات حقوقی*، ۳(۲۹): ۱۹-۳۸.
- حسینی، جعفر و مهرا، نسرین (۱۳۹۶). «نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)». *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲(۲): ۴۵-۶۹.
- داچک، هادی (۱۳۹۹). «تحلیل سیاست جنایی ایران در مقابله با فساد اقتصادی». *مجله پژوهش ملل*، ۶۰: ۷۳-۹۴.
- زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس*. جلد پنجم، تهران: نشر دار الفکر.
- سمیعی زنوز، حسین؛ حبیب زاده، محمدجعفر و صابر، محمود (۱۳۹۵). «اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق

- قبول سپرده اشخاص در حقوق کیفری ایران». مجله
آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۱: ۲۷-۵۲.
- معین، محمد (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی. جلد اول، چاپ
دوازدهم، تهران: نشر چاپخانه سپهر.
- عباس زاده دیباور، محمد علی؛ انصاری، عباسقلی و امینی،
محمد (۱۳۹۸). «سیاست جنایی تقنینی ایران در جرم‌انگاری
جرایم اقتصادی». پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۳۸:
۳۸۳-۴۰۸.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۴). القاموس المحيط.
تهران: دار الفکر.
- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۵). جرایم علیه امنیت و
آسایش عمومی. چاپ سی‌ودوم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). از جرم یقه‌سفیدی
تا جرم اقتصادی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی